

#### آچارکشی

#### مسئله خودرو شجریان و سیبل جان



پوریا عالمی

برای شرکت ایرانیان در کنسرت محمدرضا شجریان در ترکیه در مجموع حدود ۱۱ میلیارد تومان ارز از کشور خارج می‌شود. (روزنامه مردمسالاری) این که چیزی نیست، ما چه استاد شجریان صادر کنیم ترکیه چه سیبل‌جان وارد کنیم از ترکیه، به‌هرحال ضرر کرده‌ایم. قضیه رضا ضراب و شرکا آخرش هم معلوم‌دار نشد دقیقا چی به چی است و چی دادیم، چی گرفتیم. کوچیک‌کوچیکش چند تریلی پول اینا بود که هبلی شد. حالا چه مردم تکتک بروند ترکیه و پول خرج کنند، چه زحمتش را استادان بکشند و با تریلی پول ببرند، فرقی به حال ما نمی‌کند پس جای نگرانی نیست. قضیه سیاست اقتصادی ما مثل آن مثل قدیمی است که می‌گفتند اگر از طلا فروش‌ها طلا بدزدی و به خودشان بفروشی، باز هم ضرر کرده‌ای. می‌گویند نه؟ جز جریان پولی که بابت کنسرت شجریان از ایران خارج می‌شود، چه پولی که بابت ورود سیبل‌جان از ایران خارج شد، در صنعت خودرو هم همین‌طوری است. خب چه خودرو به ایران وارد کنیم، مردم باید چهاربرابر پول واقعی از جیبشان بپردازند، چه خودرو به بورکینافاسو صادر کنیم، از ما یک چهارم بیشتر نمی‌خرند. پس در هر صورت جای نگرانی نیست و به‌هرحال سر ما کلاه می‌رود.

#### گزارش فردا

#### به بهانه روز جهانی عکاسی سلفی گرفتن با مرده!

● شرق: درست در روز جهانی عکاسی، پرداختن به موج سلفی‌گرفتن با مرده‌ها در روسیه شاید تا حدودی عجیب به نظر برسد اما در فضای مجازی چنین پدیده‌هایی آن‌قدر به‌سرعت رشد کرده و همه‌گیر می‌شوند که بعید نیست شعله‌های آن به کشورهای دیگر هم برسد. گزارشی که باشگاه خبرنگاران از این پدیده منتشر کرده، حکایت از آن دارد که در یک شبکه اجتماعی روسی، رقابت عجیبی راه افتاده که در آن هرکسی که بهترین سلفی را با یک جسد بگیرد، بین ۵۰ تا ۱۰۰ پوند جایزه خواهد برد. کمپین «سلفی با مرحومین» که حالا از طرف پلیس روسیه جرم شناخته شده و تحت پیگرد قرار گرفته است، از شرکت‌کنندگان خود می‌خواهد کنار جسد بایستند، لبخند بزنند و سلفی بگیرند. اما این نوع برخورد با عکاسی که به مدد دوربین گوشی‌های موبایل به وجود آمده، تا چه حد به عکاسی واقعی نزدیک است؟

بهنام صدیقی، عکاس، به «شرق» می‌گوید که سلفی‌گرفتن اگرچه در نام، بی‌شباهت به عکاسی سلف پرتره نیست اما در ماهیت و محتوا با آن تفاوتی اساسی دارد: «سلفی صرفا جنبه نمایش دارد اما عکاسی سلف پرتره بازنمایی است، حتی گاهی نگاه انتقادی به خود یا محیط پیرامون عکاس». شاید وقت آن رسیده که باید سلفی‌گرفتن را از عکاسی جدا کرد. سلفی گرفتن به قول بهنام صدیقی «نشانه‌ای است از فضای فرهنگی و رسانه‌ای استفاده از موبایل در آن جغرافیای به‌خصوص» و اگر این‌طور نباشد، نمی‌توان به هرکسی که عکس سلفی می‌گیرد، عنوان عکاس داد که در دنیای هنر عمری بیش از دو قرن دارد.

اگرچه عکاسی در این دو قرن، همواره در کنار انسان بوده و آدمی را در بحرانی‌ترین و مرکزاترین روزهای جنگ‌های جهانی، بمباران هیروشیما، جنگ کوبا و... تنها نگذاشته و عکس‌هایی که از کشته‌شدگان روزگار وحشت و جنگ گرفته است، سند جنایت انسان علیه انسان بوده اما به نظر می‌رسد حالا سلفی گرفتن در کنار جنازه‌های بی‌زبان، چیزی جز یک بازی کودکانه با ابزار عکاسی نباشد. فارغ از اینها، او می‌گوید که دو سال پیش در جشنواره سینماحقیقت، فیلمی دیده که نشان می‌دهد در نقطه‌ای از جهان شغلی وجود دارد که مرده‌ها را تروتمیز و مرتب می‌کنند و از آنها برای خانواده‌شان عکسی به یادگار می‌گیرند. تفاوت سنت واقعی عکاسی با سلفی‌گرفتن‌های این‌چنینی را در همین‌جا می‌توان دریافت؛ اولی به‌دنبال ثبت خاطره‌ای است که از دست رفته است و دومی به‌دنبال نمایشی است که نمایش‌کردن آن کسی نیست جز آنکه دکمه را فشار می‌دهد تا چهره‌اش در بهترین حالت ممکن، روی شبکه‌های مجازی منتشر شود.

# شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۴ ۵ ذی‌القعدة ۱۴۳۶ ۲۰ آگوست ۲۰۱۵ سال دوازدهم • شماره ۲۳۷۶ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۰۷ • اذان صبح فردا ۴:۵۷ • طلوع آفتاب ۶:۲۷

### روزنامه فردا

#### کارتون خواب

علی جهانشاهی



#### سلام به فردا

## تلویزیون نسبت به مسئله دختران بی تفاوت است

نشد و درعین‌حال حرف‌های اخلاقی و تربیتی گفته شود. مشکل دیگر در حوزه سینمای کودک و نوجوان است. حمایت‌هایی که باید برای احیای این سینما صورت می‌گرفت، اجرا نشده و تمام کارهای انجام‌شده تا به حال با شکست روبه‌رو بوده به‌طوری‌که عموما سینما در اختیار افرادی بوده که فیلم‌های سرگرم‌کننده ساخته‌اند. این موضوع خصوصا در سینمای کودک پررنگ‌تر است و تقریبا دیگر رغبتی به تولیدات جدی و اثرگذار در این حوزه وجود ندارد.

بر همین‌اساس معتقدم بهترین فیلم‌های ایران در سال‌های ۶۰ و ۷۰ ساخته شده است که تمامشان پر بودند از مفاهیم اجتماعی، نگاهی متفاوت به آسیب‌ها و پرداخت‌های تربیتی که اثرگذاری قابل‌قبولی داشتند.

با چنین پیش‌فرضی، طرح مسئله‌های رایج چون سیاه‌نمایی را می‌توان زیر می‌کند و ما در سالن‌های سینما هم بی‌توجهی به موضوعاتی که خاص دختران است را می‌بینیم. فیلم‌سازی که به چنین مسائلی توجه کرده‌اند، حتی به تعداد انگشت‌های یک دست هم نمی‌رسند و

اگرچه فیلم‌هایی با این عنوان ساخته می‌شوند اما در هیچ‌کدامشان شاهد مسائل واقعی جامعه دختران و حتی کودکان جامعه نیستیم.

یکی از مشکلات برای نپرداختن به معضلات جهان شغلی وجود دارد که مرده‌ها را تروتمیز و است که علت آن هم مشخص نیست؛ در این مورد باید فکری کرد چراکه همیشه نمی‌توان مسائل را ندید و ما باید از جایی شروع کنیم. توجه به این نکته ضرورت دارد که بسیاری از مسائل با زبان بسیار ساده قابل گفتن است اما متأسفانه رفتارها به‌گونه‌ای شده

که گویا نباید وارد ابعاد و آسیب‌های انسان‌ها شد. چگونه‌گفتن واقعیت‌ها مهم است، درست است که ما خطرقرم‌هایی داریم اما می‌توان در هر حوزه‌ای، مسائل را به‌گونه‌ای مطرح کرد که وارد خطرقرم‌ها نشود. اگرچه فیلم‌هایی با این عنوان ساخته می‌شوند اما در هیچ‌کدامشان شاهد مسائل واقعی جامعه دختران و حتی کودکان جامعه نیستیم.

یکی از مشکلات برای نپرداختن به معضلات جهان شغلی وجود دارد که مرده‌ها را تروتمیز و است که علت آن هم مشخص نیست؛ در این مورد باید فکری کرد چراکه همیشه نمی‌توان مسائل را ندید و ما باید از جایی شروع کنیم. توجه به این نکته ضرورت دارد که بسیاری از مسائل با زبان بسیار ساده قابل گفتن است اما متأسفانه رفتارها به‌گونه‌ای شده که گویا نباید وارد ابعاد و آسیب‌های انسان‌ها شد. چگونه‌گفتن واقعیت‌ها مهم است، درست است که ما خطرقرم‌هایی داریم اما می‌توان در هر حوزه‌ای، مسائل را به‌گونه‌ای مطرح کرد که وارد خطرقرم‌ها نشود.

## سازمان آگهی های روزنامه شرق بازار یاب مطبوعاتی با حقوق ثابت و پورسانت استخدام می نماید .

رزومه خود را به نشانی **sharghagahi@chmail.ir** ارسال نمایید .

مهسا علی‌بیگی: چندی است که نتایج یک پژوهش ملی منتشر شده که در اتفاقی غریب روند فرار دختران از خانه را بررسی کرده و مسئول اورژانس اجتماعی اعلام کرده است: «اکثریت دختران به‌خاطر اینکه در دامن اعتیاد و تعرض جنسی قرار نگیرند، از خانه فرار می‌کنند؛ پژوهشی که مشخصات آن به‌طور دقیق بیان نشده است. با «شیرین احمدنیا»، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ **نتایج پژوهشی که رئیس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی در زمینه فرار دختران اعلام کرده است، چقدر می‌تواند قابل استناد باشد؟** اگرچه جزئیاتی از این پژوهش اعلام نشده اما ممکن است این نتایج براساس اطلاعات و پژوهش‌های پراکنده‌ای که در زیرمجموعه‌های سازمان بهزیستی جمع‌آوری شده است، اعلام شده باشد. واقعیت این است که پژوهش‌های دیگری نیز که در نهادهای دیگر و توسط پژوهشگران این حوزه انجام شده است، همین نتایج را نشان می‌دهد یعنی تعرض جنسی و اعتیاد از مهم‌ترین دلایل فرار دختران محسوب می‌شوند و درستی این نتایج دور از انتظار نیست.

■ **دلیل تغییر علت فرار از خانه از خشونت خانگی به اعتیاد و تعرض جنسی را در چه می‌دانید؟** براساس اطلاعاتی که از پژوهش‌های مختلف به

#### پیشنهاد

#### روایت تبعیض‌ها در نتاتری امروزی



جعفر والی

آئول فوگارد نویسنده‌ای است که به‌عنوان یک سفیدپوست، سال‌ها دغدغه آپ‌تایید آفریقای جنوبی را داشته و پیرو این دل‌مشغولی در نوشته‌هایش به مسئله تبعیض پرداخته است. آرزوهای جهانی نمود بارزی در نوشته‌های فوگارد دارد و «پیوند خونی» از جمله نوشته‌های او با همین نگاه است. هوشمند هنرکار با همین زاویه نگاه، متن فوگارد را بازنویسی کرده و در جریان بازنویسی، موضوعی را که چندی است گریبان‌گیر خاورمیانه شده مطرح کرده است. در «پیوند خونی» آنچه جایگزین تبعیض بین سفید و سیاه شده، تبعیض موجود در منطقه خاورمیانه مابین اسرائیل و فلسطین است. عدم تجانس در میان اعراب فلسطینی و اسرائیلی‌ها نکته‌ای است که در محتوای این اثر نمایشی وجود دارد و به‌واسطه شکل کارگردانی آن بیشتر به رخ کشیده می‌شود. قصه دو برادر داستان، قصه دلخواهی نیست و شیوه روایت این قصه توأم با نگاهی معترض است؛ اعتراض به پدیده‌ای که امروز در دنیا با آن روبه‌رو هستیم. امروز برخی از هنرمندان که همچنان می‌خواهند نگاهی جدی به تئاتر داشته باشند، فرصت چندانی برای عرضه اثرشان ندارند. بر همین‌اساس است که می‌بینیم نمایشی مثل «پیوند خونی» که نگاهی جدی را در تئاتر دنبال می‌کند، در فضای کوچک خانه نمایش روی صحنه می‌رود؛ این تلاش برای زنده‌نگاه‌داشتن تئاتر واقعی از نگاه من بسیار ارزشمند است. این حرکت می‌تواند ادامه داشته باشد و تبدیل به جریانی شود که در کنار تئاتری که کمتر به ارزش‌های نمایشی توجه دارد، مسیر خود را بیابد و پیش برود. قایب که در «پیوند خونی» پیش‌روی تماشاگر قرار می‌گیرد، خود بیان‌کننده نکاتی است: حرکات و میزانشن‌ها درست است و درعین‌حال در شکل طراحی صحنه از المان‌هایی بهره گرفته شده که امکان برداشت را برای مخاطب به وجود می‌آورد، سیم‌های خاردار در پیشانی صحنه و شیشه‌های شکسته رنگی که از سقف آویزان است، هرکدام در شکل‌گیری حس و حال و فضای نمایش تأثیر قابل‌توجهی دارد. تخت دوطبقه‌ای که در صحنه این نمایش وجود دارد، نشانه‌ای از ارتباط میان دو برادر داستان است، این دو هرچند با هم زندگی می‌کنند، اما از درک یکدیگر عاجزند و در زندگی روزمره عادی می‌توانند کنار هم باشند، اما به محض آنکه یک اتفاق عاطفی رخ می‌نماید، فاصله عمیق میان آن دو دیده می‌شود. فاصله این دو شخصیت، زمانی، طبقاتی است. یکی دیگر از شاخصه‌های این نمایش تصویری است که از گذشته با نیم‌نگاهی به مسائل دنیای امروز مطرح می‌کند. شرایط، شخصیت مرد قصه را در موقعیتی قرار داده که می‌تواند با دختر موردعلاقه خود روبه‌رو شود، او راه مکانبه را پیش می‌گیرد و این در فضای نمایش که مربوط به سال‌ها قبل است، تصویری از وضعیت امروز ارتباط‌ها در جامعه را نشان می‌دهد؛ ارتباط‌هایی که در اصل پیداکردن گمشده نیست، بلکه نوعی کم‌کردن است. این روزها عشق و عاطفه هم مکانیکی شده و شاید این نمایش به‌خوبی نشان می‌دهد که آنچه حائل بین انسان‌هاست و مانع مواجهه مستقیم آنان شده، چیست. شاید این دغدغه نخست نمایش نباشد، اما خطی است که مخاطب می‌تواند در کار بیابد و از آن نقب، به یکی دیگر از اتفاقات فاجعه‌آفرین این روزها برسد.

شخصی‌شان چیست و خوشنودان باید در ارتباط با آنها چه فاصله‌ای را حفظ کنند. همچنین باید بدانند کدام رفتارهای اطرافیان سوءرفتار جنسی محسوب می‌شود و باید آن را به اطلاع والدینشان برسانند. ■ **این درباره خانواده‌هایی صدق می‌کند که والدین خود عامل خشونت نباشند. درباره والدینی که خودشان دست به کودک‌آزاری می‌زنند، چه راهکاری وجود دارد؟** در این زمینه متأسفانه مشکلات زیادی در ایران وجود دارد. اولاً به‌طورکلی چون خشونت خانگی، کودک‌آزاری و تعرض جنسی پنهان است، هرگونه مداخله در کاهش آن کار بسیار دشواری است. یکی از شیوه‌هایی که در دنیا برای کاهش این آسیب‌ها وجود دارد، وجود مراکز و نهادهای مستقلی است که کودکان می‌توانند با آنها تماس و از آنها کمک بگیرند که متأسفانه چنین چیزی در کشور ما وجود ندارد. از طرف دیگر قانون اجازه دخالت به نهادهای بیرون از خانه را برای حل‌وفصل این‌گونه مشکلات نمی‌دهد. بنابراین‌خانه که باید امن‌ترین مکان برای کودک باشد، تبدیل به مکان ناامنی می‌شود که راهی جز فرار برای کودک باقی نمی‌گذارد. به‌همین‌دلیل فکر می‌کنم اطلاع‌رسانی‌هایی از این دست باید هشداری به مسئولان باشد تا حمایت‌های اجتماعی نسبت به گروه‌های آسیب‌پذیر مثل کودکان، زنان و حتی معلولان را افزایش دهند.

#### کودکی

## جایگاه توسعه پایدار در آموزش و پرورش ایران



محمدهادی محمدی

چند زمانی است که به‌کارگیری ادبیات زیست‌محیطی در ایران وارد افق تازه‌ای شده است. این ادبیات گاهی آشنوبناک و دلپره‌آور است. برای نمونه این‌روزها کم‌وبیش می‌شنویم که کشور از مرحله بحران آبی گذشته و به مرحله حاد رسیده است. در حقیقت این ناموزن‌ها هراسی در دل می‌افکند که بازتاب آن را می‌شود در روابط و مناسبات اجتماعی دید. در حقیقت موضوع محیط‌زیست در همه ابعاد آن در ایران نگران‌کننده است و البته یکی از نهادهایی که در دو سال گذشته این نگرانی را بحق ترویج می‌کند، سازمان محیط‌زیست است. رشه‌های این نگرانی کجاست؟ دست‌کم نزدیک ۵۰ سال است که مفهوم توسعه پایدار وارد فرهنگ جهانی شده است. توسعه پایدار در ساده‌ترین تعریف خود دو سویه دارد. سوبه نخست اینکه انسان بخشی از چرخه طبیعت است و کش‌ها و رفتارهای او روی این چرخه تأثیر می‌گذارد و دیگر اینکه طبیعت تنها از آن نسل کنونی نیست و ما باید طبیعت و منابع آن مانند آب و هوای پاک و ذخایر آن مانند گنجینه و گونه‌های جانوری و گیاهی را برای نسل‌های آینده هم باقی بگذاریم. توسعه پایدار اکنون بخشی از آموزش و پرورش جهانی را می‌سازد و خود به یک رویکرد رو به رشد تبدیل شده است. اکنون در جهان بیش از ۴۰ هزار مدرسه سبز وجود دارد که برپایه یک رویکرد جامع کار می‌کنند. در این مدارس که ستون فقرات آن درک مفهوم توسعه پایدار و به‌کارگیری آن در زندگی روزانه است، همه آموزش‌های دیگر بربنای این مفهوم بازسازی می‌شوند. برای نمونه مصرف ظروف یکبارمصرف کم می‌شود و ناراوست به درلیقه که موعده مقرر به جغرافیا یا ریاضی آموزش داده شود، رویکرد توسعه پایدار در آن دیده می‌شود. در این رویکرد شما می‌توانید نابودی جنگل‌ها را به یک مسئله ریاضی تبدیل کنید و نه تنها به کودکان ریاضی آموزش دهید بلکه خطر نابودی جنگل‌ها را با رقم و شمار به آنها یادآوری کنید. در ایران در یکی، دو سال اخیر چندده مدرسه با رویکرد زیست‌محیطی در استان‌های

#### اتفاق

## تلاش برای ثبت‌نام کودکان افغانستانی در مدارس

شرق: «کمپین درخواست از وزارت کشور برای تمدید ثبت‌نام مهاجران افغانستان» چندروزی است که در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاده تا آتلهایی که دغدغه این بخش از مهاجران کشور را دارند، فکری به حال چندصدهزار دانش‌آموز افغانستانی کنند که نتوانسته‌اند به درلیقه که موعده مقرر به مدارس رفته و مراحل ثبت‌نام خود را انجام دهند. به گزارش خبرگزاری تسنیم، ۲۹ اردیبهشت این دستور از سوی عالی‌ترین مقام نظام جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری، صادر شده است: «هیچ کودک افغانستانی، حتی مهاجرانی که به‌صورت غیرقانونی و بی‌مدرک در ایران حضور دارند، نباید از تحصیل بازمانند و همه آنها باید در مدارس ایرانی ثبت‌نام شوند». هم‌زمان با این اعلام، وزارت کشور در یک اولتیماتوم هفت‌روزه، از والدین این دانش‌آموزان خواست برای ثبت‌نام به مراکز معرفی‌شده مراجعه کنند اما بنا برآمار، تعدادی از این دانش‌آموزان موفق به ثبت‌نام در مدارس نشده‌اند. حالا این کمپین

از حمایت‌کنندگان خواسته است نگرانی خود را بابت ثبت‌نام‌نشدن بیش از ۴۰۰ هزار دانش‌آموز افغانستانی در ایران به گوش وزارت کشور برسانند و از این‌بخش دولت تقاضا کنند با وجود پایان یافتن زمان ثبت‌نام، امکان پذیرش این گروه از دانش‌آموزان در مدارس کشور فراهم شود. کمپین درخواست از وزارت کشور برای تمدید ثبت‌نام مهاجران افغانستان تابه‌حال توانسته مشکلات به‌وجودآمده بر سر راه ثبت‌نام دانش‌آموزان افغانستانی را به گوش معاونت زنان ریاست‌جمهوری برساند و خانم مولاردی قول داده که در جلسه‌ای این موضوع را با وزیر کشور در میان بگذارد، با این‌همه کمپین همچنان پابرجاست و از اعضای خود تقاضا دارد در صورت مشاهده هرگونه تخلف مدارس در ثبت‌نام دانش‌آموزان افغانستانی، موضوع را با سات وزارت کشور در میان بگذارند و از آنها بخواهند شرایط به‌گونه‌ای فراهم شود که هیچ دانش‌آموزی از کشور همسایه، از رفتن به مدرسه در سال تحصیلی جدید بازماند.